



باز هم بزَن

به دستور سروان خلیل، من و حیدر هر کدام به هفتاد ضربه کابل محکوم شدیم. حامد، حیدر را زد و ولید مرا. وقتی هفتاد ضربه کابل را نوش جان کردیم، حیدر با همان لهجه ترکی و دوست‌داشتنی‌اش دو بار تکرار کرد: سیدی! سنی ننه‌وین جانی ایکی دانا شالاق ویر. (جون مادرت دو تا کابل دیگه هم بزَن)؟

کابل‌ها به سرتون خورده، گیج شدید، خواهش نمی‌خواد.

حامد درحالی که به هرکداممان دو کابل دیگر کوبید، گفت «هذا اثین...! این هم دو کابل دیگه، یالا برید گم شید، از جلو چشمم دور شید!»

وقتی برمی‌گشتم بازداشتگاه، گفتم: حیدر! مثل این که راستی‌راستی حالت خوش نیست، چرا گفتمی دو تا کابل دیگه بزَن؟

حضرت‌عباسی نفهمیدی چرا؟
نه.

خواستم رُند بشه، ارزشش رو داشت که به بهانه، اربعین آقا امام حسین (ع) هر کدوممون ۷۲ تا کابل بخوریم، خداوکیلی ارزش نداشت؟!

این فکر و مرام و حسین‌خواهی حیدر برای من درس داشت. این را که شنیدم احساس آرامش کردم. گفتم: چرا خدایی می‌ارزید. ذهن حیدر به کجا رفته بود که می‌گفت بزار به تعداد شهدای کربلا کابل بخوریم. به‌خاطر همین عقیده و مرامش بود که وقتی نوحه می‌خواند، حتی سامی و قاسم، نگرهبان‌های عراقی هم تحت تأثیر مداحی‌اش قرار می‌گرفتند.

(سید ناصر حسینی‌پور، پایی که جا ماند)



آزادی

می‌گفت: خوش به‌حال مسافرکشان میدان آزادی که آزادانه فریاد می‌زنند: آزادی... آزادی... آزادی

و عابران خسته می‌پرسند: آزادی چنند؟

و من عابری را دیدم که از یک راننده تاکسی پرسید: آزادی کجاست؟ راننده گفت: رد کردیم... آزادی قبل از انقلاب بود.

به او گفتم: از غرب که به میدان آزادی نگاه کنی، آزادی قبل از انقلاب است اما از میدان امام حسین (ع) که به آزادی نگاه کنی، آزادی درست می‌افته بعد از انقلاب. پس نگاه کن کدام طرف ایستاده‌ای.

می‌خوام مادر بشم

دفاعیه تمام شد. استاد آمد جلو

می‌خواهی چی کار کنی؟ میری واسه دکتری دیگه؟
نه استاد!

شما؟! بابا تو که می‌تونی، تو که... اصلاً بگو ببینم! می‌خوای تو خونه بمونی چیکار کنی؟!

می‌خوام مادر شم استاد! می‌دونید! می‌خوام قصه بگم، تمرین ریاضی بنویسم براش، دیکته بگم، لالایی بگم... اصلاً می‌دونید؟! می‌خوام تموم این کارایی که به خاطر درس، روشن خط کشیدم‌رو شروع کنم.

می‌خوام مادر شم
م ا د ر...!



فقط

- دکتر چی بهش بدم؟
- آب، آب زیاد بهش بدم.
- بیجه شش‌ماهه با چقدر آب سیراب می‌شه؟
- سه قاشق غناخوری کافیه.

کوفی، کوفی است!

به نظرم وقتی دعای فرج می‌خوانم، دارم به خودم دروغ می‌گویم! دارم تظاهر می‌کنم، من می‌دانم که مرد میدان نیستم. اصلاً چرا برای آمدنش دست به دعا می‌شوم حال آن‌که یارای یاری‌اش را ندارم؟! مسخره است اگر بخواهم سر خودم هم کلاه بگذارم! من هنوز پا بسته دنیا می‌بینم! چگونه دست به دعا بردارم تا برای طلوع صبح آمدنش، العجل‌العجل سر دهم؟ می‌دانم، می‌دانم که مرد میدان نیستم. می‌دانم که وابسته فانیم و هنوز به بقیه‌الله دل نبسته‌ام.

می‌دانم... می‌دانم... می‌دانم...



توصیه رهبر انقلاب به مداح مشهور

«ایام فاطمیه‌ای در محضر رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله) مداحی کردم. اواخر مداحی به حضار مجلس گفتم حالا همه دست‌ها را بیارن بالا و چند مرتبه صدا بزَنند یا زهره.

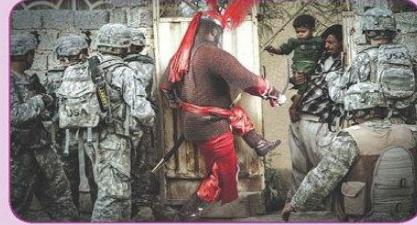
بعد از پایان مداحی برای احترام و عرض ادب خدمت مقام معظم رهبری رسیدم، ایشان بعد از احوال‌پرسی به این مضمون فرمودند:

فلائی ما در هیچ کجا نه در منابع شیعه و نه در منابع سنی نداریم که در هنگام بردن نامی غیر از خدا دستان خود را بالا ببرید. از این به بعد این کار را نکنید و به دیگر مداحان هم این مطلب را بگو. وقتی شما این کار را بکنید بهانه به دست دیگران می‌افتد و می‌گویند ببینید آن‌ها در کنار نام خدا برای ائمه هم دستان خود را بالا می‌برند.» (حاج عباس حیدرزاده از مداحان مشهور کشور).

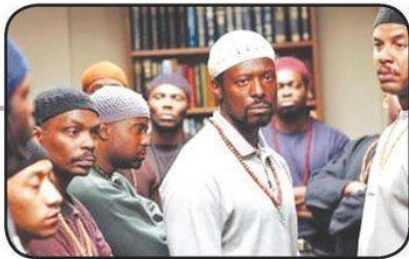
شمر زمانهات را! بشناس

تعرّف علی شمر زمانک

RECOGNIZE THE SHIMR OF YOUR ERA



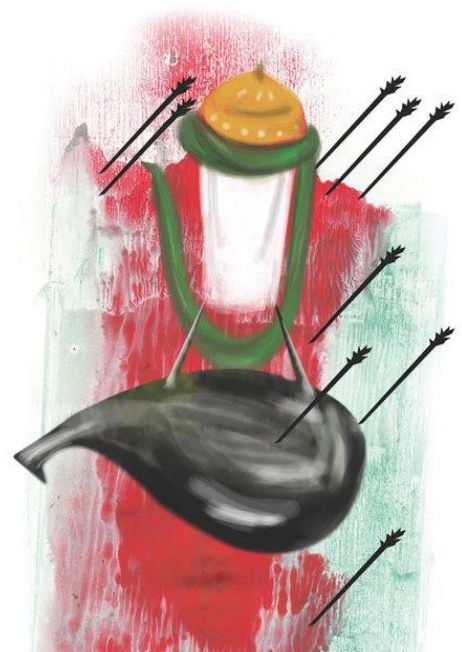
فقط گریه می کنیم



روضه در آمریکا

توی آمریکا مراسم روضه گرفته بودیم. شب اول به سیاهپوست هم اومد روضه. براش به مترجم گذاشتیم. شبای بعد، همین جور هی تعداد سیاهپوستها زیاد می شد تا مجبور شدیم به جای دیگه رو هم برای مراسم بگیریم. شب آخر ۱۵۰ تا سیاهپوست گفتن که می خوان شیعه بشن! پرسیدم برای چی می خوانین شیعه بشین؟! همه نگاه کردن به سیاهپوستی که شب اول اومده بود روضه! ازش پرسیدم برای چی شیعه؟ گفت: شب اول به تیکه از روضه جون(غلام سیاه امام حسین علیه السلام) رو خوندی؛ همونی که وقتی امام سرش رو گذاشت روی پای خودش، سه بار سرش رو انداخت پایین، گفت جایی که سر علی اکبر بوده جای سر جون نیست! ولی امام حسین علیه السلام سرش رو گذاشت روی پاهاش و جون شهید شد... من رفتم به این سیاهپوستها گفتم: بیایید که بینی رو پیدا کردم که توش سیاه و سفید فرقی نداره...

ای شاه این غلام که هم رنگ موی توست عمری دراز شد که هوادار روی توست رسواتر از سراب شوم، گر برانی ام زیرا که آبروی من، از آبروی توست



کاشن سهراب این گونه می گفت:

آب را گل نکنید

شاید از دور علمدار حسین علیه السلام مشک طفلان بر دوش زخم و خون بر اندام می رسد تا که از این آب روان پر کند مشک تهی بپرد جرعه آبی برساند به حرم تا علی اصغر بی شیر رباب نفسش تازه شود و بخوابد آرام آب را گل نکنید...

ساده اما جالب

برای هر کس در سال یک روز هست که سالگرد مرگش. هر سال این سالگرد میاد و میره و خودش نمی دونه.



مسابقه پیامکی با جوایز ارزنده از مطالب مندرج در تمامی ۷ شماره نشریه محله خوبان

- سؤال اول (پیش شماره): به فرموده حضرت بجهت تصدق سیلی زدن به حضرت زهرا علیها السلام در زمان حال چیست؟
۱. بی حجابی
 ۲. عزاداری نکردن برای امام حسین علیه السلام
 ۳. اختلاط زن و مرد در مراسم
- سؤال دوم (شماره اول): به گفته علامه حسن زاده آملی، برکت زندگی ایشان از چیست؟
۱. از مادر ایشان
 ۲. روزی حلال پدر ایشان
 ۳. هر دو مورد
- سؤال سوم (شماره دوم): رتبه ایران در مصرف لوازم آرایشی در خاورمیانه چند است؟
۱. رتبه اول
 ۲. رتبه دوم
 ۳. رتبه آخر
- سؤال چهارم (شماره سوم): به گفته پزشکان روزه داری برای مادران شیرده چه حالتی دارد؟
۱. در صورت رعایت برنامه غذایی مناسب ایرادی ندارد
 ۲. در شش ماهه اول کودک مناسب نیست
 ۳. هر دو مورد
- سؤال پنجم (شماره چهارم و پنجم): به گفته جهان پهلوان رضازاده بالاترین وزنه برای یک پهلوان چیست؟
۱. بستگی دارد
 ۲. یک پتوی ۵۰۰ گرمی
 ۳. هیچ وزنه ای برای یک پهلوان سنگین نیست
- سؤال ششم (شماره ششم و هفتم): به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام چه ملتی ذلیل خواهد شد؟
۱. ملتی که درون خانه خود مورد هجوم قرار گیرد
 ۲. ملتی که امر به معروف و نهی از منکر نکند
 ۳. ملتی که پیروی از ولایت نکند

*جولهای خود را به ترتیب از چپ به راست در قالب یک عدد ۶ رقمی که هر رقم آن نمایانگر جواب صحیح هر سؤال است به سامانه پیامکی مسجد ارسال دارید. (تال: ۰۲۱۳۱۱۱۱۱)

مهلت ارسال پاسخها: ۳۰ آبان ماه
زمان قرعه کشی: هفته اول آذرماه
در صورت در اختیار نداشتن هر یک از شماره های نشریه می توانید به کانون ثامن الائمه علیه السلام مراجعه فرمایید.
انشاءالله طی مراسمی به برندگان مسابقه به قید قرعه هدایایی تقدیم خواهد شد.



یک حدیث یک هشدار

به خدا سوگند هر ملتیی که درون خانه خود مورد هجوم قرار گیرد، ذلیل خواهد شد.

امیرالمؤمنین علیه السلام



زنان ایرانی را به خیابانها بیاورید تا نتوانند فرزندانای تربیت کنند که داوطلبانه روی مین بروند.

سیاستمدار اسرائیلی

DVD جشن بزرگ ولایت

ضمن تسلیت ایام حزن و اندوه اهل بیت به شما بزرگواران و ابراز مراتب قدردانی و تشکر کانون ثامن الائمه علیه السلام و هیأت امنای مسجد امام علی علیه السلام به شما خوبان که به هر نحوی در اجرا و برگزاری شایسته مراسم جشن بزرگ ولایت دخیل بودید

به اطلاع می رساند با همت خادمان شما در مسجد امام علی علیه السلام، DVD جشن مذکور شامل **نماهنگ های ابتدای مراسم، آلبوم تصاویر، نماهنگ تهیه شده از شعر طنز اجرا شده در وصف اهالی محله خوبان، پاوربوینت جشن، فیلم کامل مراسم و بقیه فایل های مربوطه، تهیه شده است.**

برای سفارش DVD مذکور می توانید کلمه DVD را (به فارسی یا انگلیسی) به سامانه پیامکی مسجد امام علی علیه السلام (۰۲۱ ۱۱۰ ۱۱۰ ۱۱۰ ۱۰۰۰) ارسال دارید.

- * جواب معمای شماره فل: مهره ها را به دو دسته تنایی و یک دسته دوتایی تقسیم می کنیم، کمی فکر کنید بقیه راه حل مشخص است. و اما برندگان مسابقه که جواب صحیح را به سامانه پیامکی مسجد ارسال داشتند:
- * سیدمهدی هاشمی
- * علی حکیمی
- * محبعلی صمصامی
- *** انشاءالله بعد از ایام عزاداری، هدایایی به رسم یادبود به این عزیزان تقدیم خواهد شد. ***

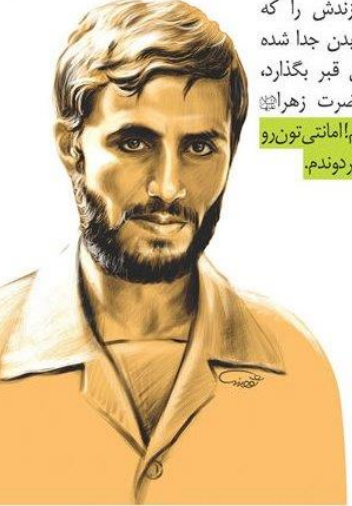
سالها از صبح تا شب به سختی تلاش کرده بود. دستهایش پینه بسته و چهره اش در آفتاب سوزان، سوخته و پرچین بود. او این رنجها را به این امید تحمل می کرد که فرزندانش خوب درس بخوانند و به جایی برسند، اما فرزندان او، تنها کاری که می کردند «دل سوزی» برای پدر زحمتکش بود و بس! و البته از درس خواندن خبری نبود. هر روز به او و دستان پینه بسته اش نگاه می کردند، او می کشیدند و گاه گریه های می کردند؛ به امید آن که پدر از آنها راضی و خشنود باشد. آنها خوشحال بودند که به یاد پدر و زحمات او هستند و گاهی برای قدردانی از او اشکی می ریزند، اما پدر، تنها و تنها با حیرت و حسرت نظاره گر این رفتار آنها بود و ...

آری سرگذشت بسیاری از ما و امام حسین علیه السلام سرگذشت آن پدر و فرزندان خویش است. او برای حفظ دین به قربانگاه رفته و از جان و مال و فرزندان و همه هستی اش گذشته است و فقط از ما عمل صالح و بندگی خدا را طلب کرده است و ما فقط برای او گریه می کنیم!

امانتی

باردار بود. همسرش به او گفت: بیا نریم کربلا، ممکنه بچه از دست بره. رفتند کربلا، حالش بد شد و دکتر گفت: بچه مرده! مادر با آرامش تمام گفت: «درست می شه. فقط چاره اش اینه که برم کنار ضریح امام حسین علیه السلام بعد خودشون هوای مارو دارند.» کنار ضریح امام حسین علیه السلام قدری گریه کرد. خواب دید که بانویی یک بچه در بغلش گذاشته است. از خواب که بلند شد، دوباره رفت دکتر. به او گفتند: این بچه همان بچه ای که مرده بود، نیست؛ معجزه شده!

وقتی مادر سردار شهید حاج ابراهیم همت می خواست پیکر مطهر فرزندش را که سرش از بدن جدا شده بود، داخل قبر بگذارد، رو به حضرت زهرا علیها السلام گفت: خانم! امانتی تون رو بهتون برگردوندم.



مراحل درس خواندن!

۱. درس خواندن بازایه ۹۰ درجه شروع می شود
۲. سپس ناخودآگاه تبدیل به ۴۵ درجه می شود.
۳. بعد برای یک جای نرم روی زمین زاویه مناسب ۳۰ درجه است.
۴. وقتی بدن ریلکس شود، زاویه خودبخود به ۱۵ درجه تبدیل می شود.
۵. حالا بدن آماده درس خواندن است... شب بیه خیر!

آدرس: یزد شهرک زرمندگان، فاز ۳، کانون فرهنگی هنری ثامن الائمه علیه السلام مسجد امام علی علیه السلام. * سامانه پیامکی: ۰۲۱ ۱۱۰ ۱۱۰ ۱۱۰ ۱۰۰۰ * تلفن: ۰۲۱ ۳۸۲۰۹۱۷۰ * پشتیبانی ما در ادامه کارمان، نظرات ارزنده شماست. ما را بی نصیب نگذارید.